



۲۰۱۶/۰۱/۰۳

صلاح الدین سعیدی

## مصالحه سیاسی پاکستان، طالبان و افغانستان

### قسمت اول

حقایق کشور ما آنقدر از برکت روشنگران ما مستند روشن شده که به صورت عمده بخش حقایق و معلومات در مورد با



منطق آن عام شده که گویا قصه ای جدید وجود ندارد که بیان شود و در مورد شعر و غزل سروده شود. بخش از ما حقایق را نخوانده بنا بر خواستها و تمنیات و تمایلات دیروز و امروز درونی خویش موضع داریم و حقایق را یا درک نمی کنیم و یا درک کردن نمی خواهیم. لذا تکرار احسن برای کسانی که نخوانده و نفهمیده نظر و موضع دارند بهتر خواهد بود که اول به دقت خویش را در مسایل وارد و باز نظر قایل بدانند. کشور و مردم ما اعمال، کردار افراد، اشخاص، گروه ها، احزاب سیاسی و حاکمیت های مختلف را همراه با روش ها و عمل کرد های همسایه های دور و نزدیک، دوستان و دشمنان به شمول دشمنان در لباس دوست را تجربه کردند و حد اقل با دادن قربانی های بزرگ جهان دیده، تجربه کار و آبدیده شدند.

پرداختن عمیق و همه جانبه به عنوان فوق از حوصله خواننده بالا است، اما درین نوشته مختصر به بعضی جوانب مهم و مطرح امروزی و مهم را برای کشور و مردم خویش و امر صلح تمرکز خواهیم کرد.

مصالحه سیاسی به خاطر دادن امکانات جهت رسیدن به نتیجه سیاسی برای تمام نیروهای عینی در جامعه مانند یک ضرورت، مطابق دولتداری خوب، قایمقام خوب دیگر در عالم اسباب ندارد.

مصالحه سیاسی در موارد زیادی به مفهوم سال های اخیر خویش جز یک فریب و وسیله برای فریب متقابل و با چوکات غیر عملی و غیر منطقی چیزی دیگر نیست. به این معنا که مصالحه سیاسی نه قبول نسخه مقابل است، مصالحه سیاسی بی هویت سازی به جانب مقابل نیست، مصالحه سیاسی به زانو درآمدن به پاکستان هم نیست. طرف مقابل ما کیست و با کی مصالحه داریم و بحث و مشکل در کجاست؟ تا وقتی که این را روشن مطرح نکرده ایم به جای نمی رسیم. در صورتیکه جنگ با طالب است و حرکات و سازمان های مخالف افغانی است که در ظاهر عنوان می شوند پس با پاکستان برای چه و به چه معامله دارد جانب حاکمیت ضعیف افغانی تحت فشار قرار داده میشود جانب افغانی به این نشست ها با وجود فریب مداوم پاکستان به زور پاکستان کشانده میشود. مسلم این است که در عمل

ما به شرارت های دوامدار پاکستان پی برده و به چشم سر مشاهده و درد آنرا به گوشت و پوست خویش لمس کرده ایم و این پروسه هنوز هم ادامه دارد.

ای. اس. آی. توانست در ادامه شرارت و فریب صریح خویش قتل و یا مرگ رهبر طالبان یعنی ملا محمد عمر اخوند زاده را بیشتر از دو سال مخفی نگهدارد و درین دو سال ای. اس. آی. به نام ملا محمد عمر از قبر، فتوی مرگ و قتل مردم افغانستان را صادر می کرد و به این ترتیب پاکستان از جهان و افغانستان امتیاز می گرفت و اینک نشست چار جانبه در اسلام آباد در هفته آینده مطرح و دنبال می شود.

پاکستان یکی از مهره های عمده پلان های جهانی و درین میان تطبیق برنامه های خورد و بزرگ منظوقی در صدور ترور با نیروی نظامی شش صد و پنجا هزار نفری خویش حاضر به هر عمل در مقابل پول و تطبیق برنامه های روشن و سری خویش ادامه داده و به خون و بربادی مردم بی گناه منطقه و افغان ها ادامه میدهد. توقع مساعدت در امر صلح در کشور ما از پاکستان و پنجاب، سادگی و خامی سیاسی جانب افغانی و جهان چیزی بیش نبوده و نیست. این حالت به صورت واضح عدم فهم الفبای سیاسی قواعد بازی کار زار سیاسی را از جانب این حکام درین عرصه ثابت می کند.

اصل مسأله درین است که منافع این زمامداران، حکام و جنرالان پنجاب و پاکستان در ادامه جنگ در کشور ماست. نظامیان پاکستان، عربستان سعودی و ... توانستند از طریق سودان و بعد افغانستان ترور و دهشت را وسیله ای برای مهار کردن خطر ایران، خطر روسیه و کمونیزم و درین میان پُر کردن جیب های جنرالان پاکستان و اهداف شومی ستراتیژیک علنی و سری خویش به کار برده و سازماندهی کردند و می کنند.

درچنین شرایط افغان ها و مردم بی گناه منطقه و افغانستان قربانی دادند و این پروسه به نحوی ادامه دارد. بلی پاکستان با بدست آوردن فرصت نان خویش را در تنور داغ پُخت و در کار زار جهادی ضد کمونیزم با استعمال وسیله دین از گاو غدودی به مردم افغانستان نیز رسید. به این ترتیب بعضی از تاجران دین، قوم و سمت در افغانستان نیز به قیمت خون، بمب، خرابی، دود، باروت به مردم افغانستان نیز ملیونر شدند اما ازین کثافت لقمه بزرگ را پاکستان برداشت و جیب های جنرالان پاکستانی پُر شود.

در نتیجه تلاش صورت گرفت و تمام چینل ها و شبکه های استخباراتی و نظامی شان چنان فعال ساخته شدند تا بر سر ملت افغان افراد بی کفایت، فرمانبردار به منافع خارجی و جاسوس مسلط شده و در نتیجه در بازی و فریب آغاز شده میلیاردها دالر (۱۰۴ میلیارد دالر) و پوند های زیادی پول کشورهای خارجی به نام افغانستان از جیب مالیه دهندگان این کشورها گرفته شده و به نام افغانستان و حقوق بشر و کمک های انسانی، دیموکراسی و ... حیف میل شدند.

جنرالان پاکستانی در پهلوی جیب پُر کردن و تحت نامه مبارزه علیه تروریزم هر حرکت ملی، مترقی و آزادی خواهانه پشتون و بلوچ را با بسیار بی رحمی سرکوب و سر به نیست کردند و این تراژیدی هنوز هم هنوز است، ادامه دارد.

ملاهای ای. اس. آی. چون ملا فضل الرحمن و .... جهاد افغانستان را بقای پاکستان خواندن و به این ترتیب خلاف

تمام ارزش ها و ارشادات دین مقدس اسلام به قتل و غارت در کشور ما فتوی دادند و این پروسه ادامه دارد. برای فریب جهان نظامیان پاکستان به نام عملیات نظامی علیه تروریستان در بخشی از مناطق پاکستان اول عمال و گماشته گان آی. اس. آی. را از محل خارج و باز به عملیات نظامی نمایشی به قتل و غارت مردم بومی و هر آن شخص و شخصیت دست زدند که از آن تصور ضد حاکمیت پاکستان وجود داشت.

پاکستان عملاً در پهلوی اعتماد به ناتوانی افراد حاکم کابل، اتکاء به ستون پنجم و جنگ اعلان نشده پاکستان علیه افغانستان و افغان ها چنانچه گفته آمدیم ادامه پیدا کرده و این بازی کثیف پاکستان با تمام وقاحت و با تمام ابعاد و انواع مختلف به صورت خاص بعد تحت فشار قرار دادن جانب افغانی به حملات علیه مردم افغانستان تحت نام طالبان، ادامه دارد.

تأکید بر سیاست مصالحه سیاسی درین شرایط که اصولاً باید سبب و وسیله کشیدن افغان ها از وسیله بودن دشمن شوند نیز مانند ابزار سیاسی و فریب به کار گرفته شده و در مواردی با فهم غلط ازین سیاست، نظر و مفکوره عالی انسانی و دولنداری خوب به بیراهه کشانیده شد و به این ترتیب به تراژیدی ملت مظلوم ما ادامه داده شده است. منظور ما ازین بحث این هم نیست که گویا مخالفین مسلح باید سلاح به زمین گذاشته و تسلیم حاکمیت کابل شوند و مصالحه به این مفهوم هم درست و عملی نیست. اما جستن راه های عملی و منطقی قابل قبول که منجر به تفاهم بین الافغانی شود و موجب حد اقل قربانی شده و نجات وطن و مردم ما را موجب گردد و وظیفه اسلامی و انسانی نیز است که به صورت قطع تا حال به طور محسوس به پیش برده نشده و در پیش گرفته نشده. به یقین یکسره تأکید کردن به سلاح، تفنگ و انتحاری عمل حرام و ضد تعالیم اصیل اسلامی می باشد.

در این میان چنانچه گفته آمدیم جواسیس دشمن به صورت صریح در مواردی موفقیت هایی داشته و توانسته اند بر وضع مسلط حتی شخصیت های ملی و وطن خواه کشور را با پروژه های خوب اقتصادی و سیاسی کشور به انواع مختلف حتی تا سرحد ترور و گذاشتن بمب های مقناطسی با شکست، خرابی و مشکلات جدی مواجه سازند. برنامه تطمیع هم در مواردی در عدم پیگیری قضایا توسط بعضی وکلای پارلمان و ... در بخشی از موارد محسوس می بینم. حتی کار های خوب اجراء شده و برنامه های نسبتاً خوب روی دست گرفته شده در بخش سکتور خصوصی با مشکلات زیادی مواجه شده و مجبور به رکود و فرار سرمایه و تاجر می شوند.

مجریان اعمال دشمن، جواسیس و اجیران شان را جواسیس و نوکران عقیدتی و جواسیس کسب امتیاز مادی و در موارد ترکیب هر دو تشکیل می دهد. اما یک مشخصه دیگر عصر ما همانا حالت خاص کشور ماست و آن اینکه:

بخشی از اتباع کشورهای خارجی خصوصاً با اصلیت و تابعیت پاکستان و ایرانی در ظرف امکانات ۴۰ سال قبل و خاصاً ۱۵ سال اخیر توسط میدیا و استخبارات این کشور یعنی ای. اس. آی. پاکستان و سپاه پاسداران ایران توانسته اند در کشور ما این عمال و اتباع و جاسوسان خویش را افراد و شخصت های مطرح سیاسی افغانی ساخته و از موضع یک افغان وظائف ضد افغانی خویش را اجراء می کنند. مبصرین و کارپوهان؟! سیاسی مشهور کشور ساخته شده اند و در عرصه های مختلف کشور مسلط ساخته شده اند.

این عناصر دشمن و جاسوس و امکانات وسیع مالی شان توانسته اند مقدسات کشور و ارزش های ما را مانند بیرق ملی، سرود ملی، زبان های ملی، نام کشور، استقلال و آزادی کشور، شخصیت های تاریخی و افتخار آمیز کشور به شمول امان الله خان غازی و حتی مؤسس افغانستان احمد شاه ابدالی را مورد سؤال قرار داده، به این ترتیب قصور و انتقام سقوط امپراتوری های ایران را از احمد شاه درانی گرفته و علیه وی به تبلیغات زهر آگین پرداخته و می پردازند. عمال دشمن در کشور ما و دیموکراسی غیر تعریف شده و بی بند و بار توانسته اند هویت دینی و افغانی را از تذکره کشور حذف، بخشی از معزوران را به سطحی نگری در مسأله خط دیورند بی تفاوت و با افکار منحط قومی وادارند، به تفرقه های منحط قومی دامن بزنند و عده ای از معزوران را استادانه به این افکار فاشیستی و تعصب در خلاف به دستورات اسلامی و انسانی مبتلا، مریض و معلول سازند. و در مواردی به بخشی از مقدسات و ارزش های ملی و تاریخی کشور متزلزل و بی باور سازند.

دشمنان وطن و ستون پنجم شان توانسته اند با تهمت و دشمنی در مورد انتقام باداران دور و نزدیک شان دست کمک دادن و عملاً به صورت وسیع آنچه عزت آنچه افتخار کشور و ملت ماست مورد سؤال قرار داده و دهها افتراء و توطئه در زمینه نموده و دقیقاً چنین می کنند که یک ملت را نگش بلکه افتخاراتش را بگیر – عمل می کنند. دقیقاً اینها درین راستا سیستماتیک و دشمنانه کار وسیع می کنند.

نشر برنامه خبرنگار به نام قادری از رادیو تلویزیون بی. بی. سی. در مورد تفاهمنامه «دیورند لاین» که در آن آقای قادری خبرنگار تلویزیون با لهجه ایران افتراء و اغواگری های کاذب را درین مورد نشر و عوام فریبی می کند ازین سلسله دسائس دشمن علیه مردم ما و کشور ماست. آقای عبدالجمیل جمیلی دیپلمات سابقه دار افغانی که فعلاً در امریکا زندگی می کند در دیداری با من گفت که وی نقشه ضمیمه تفاهمنامه «دیورند لاین» را در وزارت خارجه وقت افغانستان دیده است که به قلم سرخ شخصاً توسط امیر عبد الرحمن خان اصلاح شده.

در اسناد تاریخی آمده است که امیر حد اقل در دو سه مورد اعتراض داشته است که این همان نقشه ای نیست که سر تیمار دیورند برای وی نشان داده بود و بالاخره نقشه و خط به نام «دیورند لاین» که باید در ظریف سه سال (۱۸۹۳-۱۸۹۷م) کار خود را در روی زمین تکمیل می کرد هیچگاهی کار خویش را تکمیل نکرد و دهها حقایق نا گفته دیگر که به صورت استادانه تحریف و به خورد بیننده داده می شود و در دید اول می بینیم در نقشه ارایه شده کدام قلم خوردگی به قلم سرخ امیر دیده نمی شود. چیزی را که شاهد زنده یعنی جناب عبدالجمیل جمیلی تأکید دارد.

در چنین شرایط و با چنین زمینه سازی های وسیع و پلان شده تصادفی نیست که پاکستان و قیاحانه مطالبات بلند بالای را از جانب افغانی دارد. پاکستان دقیقاً می خواهد که: خط «دیورند» نهایی شده و حتی بخشی از مناطق دیگر کشور ما را نیز درین مرحله از خود سازد، آب های طبیعی افغانستان را کماکان در خدمت و استفاده خود داشته و به صورت دوامدار به کشور شان جاری باقی بماند (آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم)، راه ترانزیتی پاکستان، عبور و مرور وسایط آن بدون گمرک به آسیای میانه از طریق خاک افغانستان برای پاکستان تضمین گردد، رابطه افغانستان با هند محدود شود، برای طالبان، یعنی ملا صاحب محمد عمر که دو سال قبل کشته شده و یا مرده یعنی برای آی. اس. آی. در

حاکمیت افغانی قدرت سیاسی داده شود، در انتصاب افراد مهم کشور برای پاکستان سهم داده شده و نظرش مورد گرفته شود.

این مطالبات چندی دیگری که بعد در برنامه های بعدی مطرح خواهد شد و در برنامه های بزرگ پاکستان بزرگ به صورت منطقی اما ناروا بعداً مطرح خواهد شد. شواهد و منطق سخن نشان میدهد که حاکمیت ایران نیز درین راستا در مواردی از پاکستان عقب نمانده که بحث روی آن خصوصاً در رابطه به تهاجم فرهنگی ایران در افغانستان و تقسیم عملی بعضی مناطق کشور به لبنان دوم تفصیل مستقل می خواهد. در مجموع نه ایران و حتی هند هم درین راستا در تقلیل تشنج در روابط افغانستان با پاکستان چندان علاقمند نبوده و هر یک به نحوی مطالبات خویش را دارند.

کشور هند درین میان جوانب مثبت خیر و نیک زیادی در رابطه به افغانستان داشته در مقایسه به پاکستان و ایران کشور هند منافع مشترک زیادی با مردم افغانستان داشته که باید به آن توجه بیشتر شود. درین راستا بنا بر به فتنه های پاکستان جانب افغانی از امکانات هند در بهتر شدن وضع کشور ما افغانستان استفاده لازم نکرده و در مواردی جانب افغانی حتی فریب دسائس و فتنه های پاکستانی را خورد است. پاکستان با تمام نیرو تلاش خواهد کرد و کرده است تا افغانستان از وابستگی یک جانبه افغانستان در راه بحری از پاکستان رهایی نیابد و بندر چاه بهار ایران فعال نشود. در چنین شرایط اوضاع و احوال منظور از بیان حالت پریشان و مشکل کشور و مردم ما برای چه و هدف ازین تمرکز و بحث برای چه و چه هدف را دنبال و تعقیب میکنم؟

آیا به تصویر کشیدن وضع صرف به ذات خود هدف است و یا هدف خاص مثبتی را تعقیب دارم؟ اگر چنین است که است و هدف مثبت را تعقیب دارم این هدف و مقصد چیست؟ و برای تحقق آن چه باید کرد؟

بلی افغانستان و مردم ما در حالت بس دشوار، مشکل و حتی مهلك قرار دارند. در چار دهه اخیر قربانی دادند و جنگ های نیابتی دیگران را به پیش بردند و یا هم زمانی که توانستند ازین بازی ها و جنگ دیگران چیزی برای خود داشته باشند در موارد رهبران و زعمای تحمیل شده برای شان به حق ملت خیانت کردند و فرصت های زیاد طلایی غیر قابل تکرار عصر به فنا داده شده و در مواردی به فنا داده می شود.

رهبران و شخصیت های ملی قابل قدر به انواع مختلف توسط عمال خارجی و این منابع دشمن در داخل و خارج از کشور به مشکلات مختلف مواجه شده به بهترین صورت از صحنه سیاسی خارج شده و یا سر به سلامت نمی برند. مثال های خورد و بزرگ درین راستا آنقدر زیاد است که ضرورت به ذکر مثال مشخص نیست.

به یقین های هدفمند شخصیت های ملی مطرح ما جزء این منافع دشمن ضد افغانی است. شخصیت هایی که می توانند در موارد مانع تطبیق برنامه های دشمنان در کشور می شود و یا می توانند ملت را آگاهی لازم دهند و یا به طرف خیر دعوت و تنویر کنند، از طرف این منابع دشمن به انواع مختلف از بین برده شده و علیه شان تا سرحد ترور توطئه صورت می گیرد. در چنین شرایطی و در چنین شرایط دشوار ضرورت است تا ملت با احتیاط و درایت کامل خدمتگاران خویش را شناخته و با درک عمق و بُعد تمام مسایل مربوط به سرنوشت کشور و فتنه و شرارت های دشمن پی برده و با مواضع رسا و قاطع از خدمتگاران خویش متحدانه دفاع نموده و مشترکاً کار نمایند. راه و انتخاب دیگر وجود ندارد. در چنین

شرایط باور قطعی دارم که ما به اتکاء به الله تعالی و در عالم اسباب به درایت، پیگیری و خستگی ناپذیری اولاد صالح وطن باور داشته امیدواریم که از این مرحله دشوار نیز خارج خواهیم گذشت. افغانستان و مردم آن در موارد زیادی با وجود ضیاع فرصت های طلایی عصر در مرحله دیگر قرار دارند.

پایان قسمت اول

ادامه دارد

\*\*

گرفته شده از سایت وزین (جام غور)



